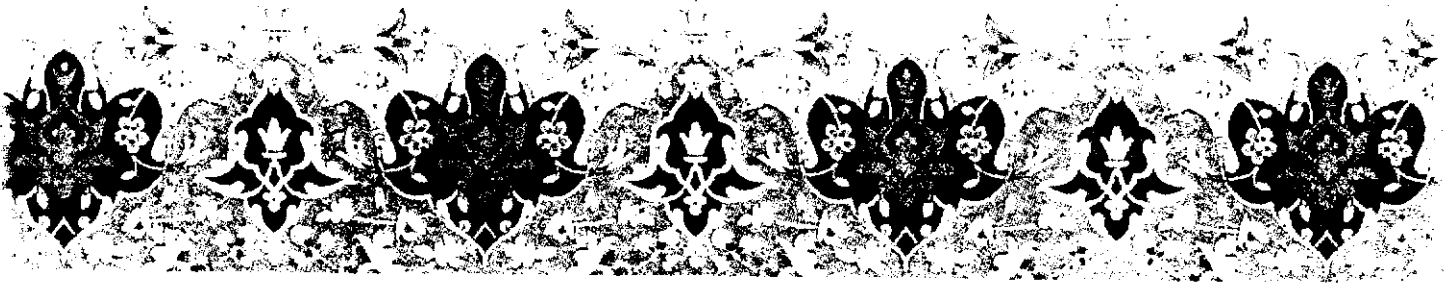


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم

(بخش دود)

سید عبدالوهاب طالقانی

۲۸۹

در شماره ۱۷ ترجمان وحی، تحت عنوان فوق، با مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، برخی از اشکالات ترجمه‌های رایج عصر حاضر ارائه شد و مشکل در سبک و روش ترجمه دانسته شد نه در مترجم. حقیقت این است که اگر مترجم خود را در چهارچوب ترجمه کلمات از طریق واژه‌یابی و معادل‌جویی محدود و مقید نبیند و بر این عقیده نباشد که ترجمه باید کوتاه باشد و هر یک از لغات عیناً ترجمه شود، به راحتی با بیان شأن نزول و ربط صدر و ذیل آیه و مشخص کردن مرجع ضمائر یکسان در آیه، به بیان تفسیر و نظم آیات می‌پردازد و با توضیح لازم هر گونه ابهامی را روشن و خواننده را از مراجعه به دیگر تفاسیر بی‌نیاز می‌کند. لذا برای دستیابی به ترجمه مطلوب باید سبک و روش ترجمه را از حالت رایج کنونی خارج نمود و تحولی فراگیر در ترجمه به وجود آورد.

پیشنهاد می‌شود محققان علوم قرآن و مترجمان عزیز که قصد دارند در آینده از قرآن کریم ترجمه‌ای آماده کنند، ابعاد یک ترجمه گویا و روشن را در نظر بگیرند و با رعایت همه جوانب، بدون اختصار و بدون تقید به مطابقت لفظی ترجمه با متن، به ترجمه اقدام نمایند. یکی از نمونه‌های گویا، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره مائده است که نظر خوانندگان را نخست به متن آیات و سپس به یکی از ترجمه‌های مشهور، معطوف می‌داریم.

۱۴۹۲

نمونه اول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ
أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ
الْصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا
إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (مائده، ۱۰۶).

فَإِنْ عُبِّرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ
فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (مائده، ۱۰۷).

با توجه به اینکه چهارده نفر از مترجمان، تقریباً کم و بیش یکسان ترجمه کرده‌اند و نیازی
به ذکر همه آنها نیست، فقط به ذکر یک ترجمه از جناب آقای بهاء‌الدین خرمشاهی
اکتفا می‌شود:

ای مؤمنان چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، به هنگام وصیت باید دو تن از عادلان
خودتان [مسلمانان]، یا اگر در سفر دچار مصیبت مرگ شدید، دو تن از غیر خودتان [اهل
کتاب] شاهد و حاضر باشند؛ و اگر در حق آنان شک دارید، آنان را نگاه دارید تا بعد از نماز، به
خداوند سوگند یاد کنند که ما آن [شهادت و سوگند خود] را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم، اگر
چه [به سود] خویشاوندمان باشد؛ و شهادت الهی را پنهان نمی‌کنیم، که ما در آن صورت از
گناهکاران خواهیم بود (مائده، ۱۰۶).

و اگر معلوم شود که آنان مرتکب گناه [خیانت] شده‌اند، آنگاه دو تن از کسانی که بر آنان
جفا رفته است و از نزدیکان [متوفی] هستند، به جای آنان قیام کنند، و به خداوند سوگند
بخورند که شهادت ما از شهادت آن دو درست‌تر است و ما از حق تجاوز نمی‌کنیم که ما در آن
صورت از ستمکاران خواهیم بود (مائده، ۱۰۷).

نقد و اشکال: قرآن پژوهان صاحب نظر، خود می‌دانند که مخاطب «یا ایها الذین آمنوا» در
صدر آیه ۱۰۶ با مخاطب «تحبسونهما» در وسط آیه متفاوت است. در صدر آیه با کسانی
سخن می‌گوید که در حضر و یا سفر، آثار مرگ بر آنها ظاهر شود؛ از آنها خواسته شده هم
وصیت کنند و هم بر وصیت خود شاهد بگیرند. اما مخاطب و مرجع ضمیر در «تحبسونهما»
اولیای میت‌اند، زیرا مخاطبان اولیه اگر زنده باشند، به شهادت کسی نیازی نیست؛ آنان که به
هنگام مرگ وصیت نمودند و شاهد گرفتند و به لقاء الله رفتند، اکنون این وظیفه ورثه است تا

چنانچه به صداقت گفتار شاهدان غیر مسلمان شک دارند مراحل سوگند را اجرا کنند. پس از این مقدمه به ذکر شأن نزول آیه، و سپس به بیان مفهوم آیات می پردازیم:

شأن نزول

ابن ابی ماریه مسلمان به اتفاق دو نفر نصرانی به نام تمیم و برادرش عدی، از مدینه به قصد تجارت به طرف شام حرکت کردند. در بین راه ابن ابی ماریه بیمار شد. وصیتی نوشت و در آن دارایی خود را که همراه آورده بود یادآور شد. نوشته را در میان وسایل خود مخفی کرد، سپس اموال خود را به آن دو سپرد و درخواست کرد آنها را به خانواده اش تحویل دهند. پس از مرگ وی آن دو وسایل را باز کردند و آنچه جالب و قیمتی بود برداشتند و باقی مانده را به ورثه اش تحویل دادند.

خانواده ضمن تفتیش وسایل، به وصیت دست یافتند. برابر وصیت بعضی اشیاء را نیافتند. جریان را برای تمیم و برادرش بازگو کردند. آن دو در پاسخ گفتند از آنچه می گوئید اطلاعی نداریم. آنچه را به ما تحویل داد به شما رساندیم. ورثه مسئله را به پیامبر (ص) عرضه داشتند. این آیه نازل شد و پیامبر (ص) آن دو را سوگند داد و در پایان سوگند آنان را رها کرد.^۱

بیان مفهوم صدر آیه

ای مؤمنان (ای کسانی که ایمان آورده اید) هر گاه مرگ شما فرارسد، (چون وصیت زبینه است) وصیت کنید. هنگام وصیت، دو نفر عادل را از بین خودتان (یا از خویشان و ورثه خود و یا از بین مسلمانان) شاهد بگیرید و چنانچه در مسافرت بودید و بر شما آثار مرگ ظاهر شد (و ورثه یا شاهدان مسلمانی نبودند) دو نفر غیر مسلمان را شاهد بگیرید.

(در اینجا خطاب به اولیا و ورثه میت می فرماید:) شما اولیای میت اگر به شهادت دو شاهد غیر مسلمان شک دارید، آن دو شاهد را تا بعد از نماز عصر نگه دارید، تا در حضور مردم به خدا سوگند یاد کنند (آن دو شاهد باید اهل کتاب و معترف به خدا باشند) که ما این سوگند حق را به منافع مادی نمی فروشیم، هر چند هر مورد خویشان ما باشد و ما شهادت الهی

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۳۳ □

را کتمان نمی‌کنیم، زیرا با کتمان شهادت، از گناهکاران خواهیم بود.^۱
آن دو نصرانی پس از ادای شهادت، به دستور پیامبر (ص)، رها شدند، اما پس از رهایی، ظرف نقره‌ای منقوش به طلا، ملک ابن ابی ماریه نزد آنها دیده می‌شود. از آنها سؤال می‌شود: این ظرف متعلق به ابن ابی ماریه است، نزد شما چه می‌کند؟ در جواب می‌گویند: ما این ظرف را از او خریدیم ولی فراموش کردیم به شما بگوییم. لذا ورثه مسئله را به پیامبر (ص) عرضه داشتند و متعاقباً آیه ۱۰۷ نازل شد.

بیان مفهوم آیه ۱۰۷

پس چنانچه معلوم شد که آن دو وصی غیر مسلمان در شهادت مرتکب گناه شده و خیانت کرده‌اند (فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا)، باید دو شاهد مسلمان دیگر که از نزدیکان میت‌اند و وصیت به نفع آنها و در حق آنان اجرا می‌شود، جایگزین آن دو غیر مسلمان شوند (فَأَخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ)^۲ و به خدا سوگند خورند که شهادت ما (در تکذیب آن دو وصی غیر مسلمان) از شهادت آنان به صدق و حق نزدیک‌تر است و در این شهادت، از حق تجاوز نکرده‌ایم و الا از ستمکاران خواهیم بود. (فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لِمِنَ الظَّالِمِينَ).

نمونه دوم

ترجمه‌های ساده عصر حاضر که بدون توضیح عرضه شده است، خواننده را به

۱. علت آنکه گواهان را جهت سوگند، نگه می‌دارند و بعد از نماز عصر در برابر جمعیت حاضر می‌کنند، این است که انسان معمولاً در برابر جمعیت، آن هم بعد از فریضة الهی، تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرد و کمتر جرئت می‌کند به دروغ شهادت دهد.

۲. الاولیان تشبیه اولی، بدل من قوله آخران، ای یقوم شاهدان کل واحد منهما اولی بالمیت، ای من اقربائه وذی ولایت - تفسیر تقریب القرآن الی الادهان، سید محمد حسینی شیرازی، ج ۷، ص ۳۹.

و نیز در مجمع البیان ذیل همین آیه تحت عنوان «الحجة والاعراب» می‌نویسد:
قال الزجاج هذا الموضع من اصعب ما فی القرآن فی الاعراب، والاولیان فی قول اکثر البصریین یرتفعان علی البدل مما فی یقومان، المعنی فلیقم الاولیان بالمیت مقام هذین الخائنین فیقسمان بالله لشهادتنا احق من شهادتهما.

دستورات الهی بدین می‌کند. مثال:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تغابن، ۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندانان دشمن شما هستند، پس از آنان بی‌مناک باشید و اگر ببخشید و درگذرید و بیامرزید، پس براستی خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است. (رضایی اصفهانی و همکاران)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از زنان و فرزندانان دشمن شما هستند، از آنها حذر کنید. و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و گناهانشان پوشیده دارید، خدا آمرزنده و مهربان است. (آیتی)

به منظور اختصار، از بیان تمامی ترجمه‌های موجود صرف نظر می‌شود، فقط اسامی مترجمانی که ترجمه یکسان دارند، ذکر می‌شود:

فولادوند، سید جلال الدین مجتبوی، بهاء الدین خرمشاهی، علی اکبر طاهری قرزینی، جلال الدین فارسی، سید علی موسوی گرمارودی، ابوالقاسم پاینده، مصطفی خرم دل، شاه ولی الله دهلوی، آیت الله مکارم شیرازی، سید حسن ابطحی، حسین انصاریان، آیت الله مشکینی.

مشکل این گونه ترجمه‌ها این است که اگر خواننده سؤال کند، چه شده است که خداوند زن و فرزند را دشمن مؤمنان معرفی کرده و با تعبیر «فَاحْذَرُوهُمْ» مؤمنان را از آنها برحذر داشته و سپس بلافاصله فرموده است: «وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا...؟» مترجمان ارجمند جوابی ندارند جز آنکه بگویند ما لغات را ترجمه کرده‌ایم و برای توضیح و تبیین بیشتر باید به تفاسیر مراجعه شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که در سبک و روش ترجمه، تجدید نظر به عمل آید. قطعاً اگر با توضیح بیشتری به بیان مفهوم آیات اهتمام گردد، این نوع اشکالات به وجود نمی‌آید.

ترجمه پیشنهادی:

ای مؤمنان، برخی از همسران و فرزندان شما (چون کافر، منافق و یا ضعیف‌الایمان هستند) شما را در اعمالتان همراهی نمی‌کنند بلکه با مخالفت، مانع اعمال شایسته شما می‌شوند (و از هجرت شما به مدینه ممانعت می‌کنند) از آنان (با اوصاف ذکر شده) بر حذر

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۳۵

باشید و (هرگاه از اعمالشان پشیمان شدند و خواستند به شما ملحق شوند) اگر آنها را عفو کنید و ببخشید (و در مقام انتقام نباشید، نیکوست)، به یقین خداوند هم بسیار آمرزنده و مهربان است.

نمونه سوم

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أُمَّةٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَّةٍ سَنَمَتَّعُهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (هود، ۴۸)

گفته شد: ای نوح! (از کشتی) فرود آی، با تندرستی از سوی ما و برکت‌هایی که بر تو است و بر امت‌هایی از همراهانت. (موسوی گرمارودی)

گفته شد: ای نوح، با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و امت‌هایی که با تو است (از کشتی) فرود آی. (حسین انصاریان)

اصولاً این نوع ترجمه‌های کوتاه، این اشکال را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد که چرا در آیه ۴۰ همین سوره می‌فرماید: وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ و در این آیه می‌فرماید: عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أُمَّةٍ مِّمَّنْ مَعَكَ؟ کلمه امم با ما آمَنَ معه الاقلیل سازگار نیست.

اگر آقایان خود را محدود به ترجمه محض نمی‌کردند، به راحتی با توضیحی مختصر، مطلب را برای خواننده روشن می‌نمودند.

۱. خطاب شد: ای نوح، با سلام و برکاتی (سلامتی و ایمنی از عذاب و طوفان) از ناحیه ما بر تو و جماعتی که (از انسان، پرنده و حیوان) با تو هستند از کشتی فرود آی.

امت هم بر انسان اطلاق می‌شود و هم بر حیوان: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أُمَّثَلُكُمْ (انعام، ۳۸)

۲. پیشنهاد دیگر: با سلام و برکاتی از ناحیه ما بر تو و امت‌های صالح و موافق در طریق تو (چه آنان که هم اکنون در کشتی با تو هستند و چه آنهایی که از نسل این صالحان بعدها تا قیامت ظاهر می‌شوند)...

نمونه چهارم

شایسته است اصطلاح زبان مورد ترجمه با اصطلاح زبان دوم جایگزین شود. چنانچه اصطلاحات و کنایه‌ها را به صورت مفرد ترجمه کنیم و لغت جایگزین نماییم، مترجم خوبی بوده‌ایم و نتوانسته‌ایم مقصود را بیان کنیم.

مثال:

الف) **إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا** (هود، ۵۶)
هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او گیرنده پیشانی او است. (جلال الدین فارسی)
نیست هیچ جنبنده‌ای مگر خدا گیرنده است به پیشانی او. (شاه ولی الله دهلوی)
ترجمه پیشنهادی:

هیچ جنبنده‌ای نیست جز آنکه خدا بر او تسلط دارد و همه در حیطة قدرت و فرمانروایی او هستند. (کهف، ۱۱)

ب) **فَضْرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا** (کهف، ۱۱)
پس در آن غار، سالیانی بر گوش‌هایشان پرده زدیم. (فولادوند)
در همان غار بر (چشمها و) گوش‌هایشان تا چندین سال پرده کشیدیم. (خرمشاهی)
چندین سال آنها را در غار به خواب فرو بردیم. (نویسنده)
آیه ۱۸ همین سوره **وَ تَحْسَبُهُمْ آيَاقًا وَ هُمْ رُقُودٌ** استعمال کلمه رُقُود جمع راقد به معنی خفتگان این ترجمه را تأیید می‌کند.

نمونه پنجم

در ترجمه‌های محض، ترجمه فارسی سوگندهای قرآن بدون خواندن آیات و در نظر گرفتن جامعیت کلمات و وزن، کمی سبک و مستهجن به نظر می‌رسد. اگر خواننده‌ای صرفاً به خواندن ترجمه سوگندها اکتفا کند، با حیرت از خود سؤال می‌کند آیا قرآن معجزه الهی، همین است؟ اینها که مفهومی ندارد تا چه رسد به اعجاز!

برای نمونه از پنج مترجم مشهور معاصر، از هر کدام، قسمتی نقل می‌شود:

۱۴۹۱

۱. فضرربنا علی آذانهم ای انماهم، فان الضرب علی الآذان کنایه عن ذلك، لان الانسان اذا نام لا یسمع شیئاً وکانه ضرب علی اذنه بحائل یمنع عن السماع (تفسیر تقریب القرآن الی الاذنان، ج ۱۵).

□ ضرورت تحویلی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۳۷

۱) **الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ** (حاقه، ۱-۳)

آن در رسنده * آن در رسنده چیست؟ * و تو چه دانی که آن در رسنده چیست؟ (جلال الدین فارسی)

۲) **وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَالسَّابِقَاتِ سَبَاقًا * فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا * يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتَّبِعُهَا الرَّايِفَةُ** (نازعات، ۱-۷)

سوگند به فرشتگانی که (از کافران) به سختی جان ستانند، و به فرشتگانی که جان (مؤمنان) را به آرامی گیرند، و به فرشتگانی که (در دریای بی مانند) شناکنان شناورند، پس در پیشی گرفتن (در فرمان خدا) سبقت گیرنده اند، و کار بندگان را تدبیر می کنند، آن روز که لرزنده بلرزد، و از پی آن لرزه ای (دیگر) افتد. (فولادوند)

۳) **وَالطُّورِ * وَ كِتَابِ الْمَسْطُورِ * فِي رَقٍ مَنشُورٍ * وَ النَّبِئِ الْمَعْمُورِ * وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ * وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ** (طور، ۱-۶)

سوگند به طور، و به کتابی نوشته، در نازک پوستی برگشاده، و (سوگند) به (آن) خانه آبادان (کعبه) و به بام برافراشته (آسمان) و به دریای برافروخته. (موسوی گرمارودی)

۴) **وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا * فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا * فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا * فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُدْرًا أَوْ نُذْرًا** (مرسلات، ۱-۶)

سوگند به فرستاده شدگان پیاپی، و توفندگان توفنده، و سوگند به گسترانندگان گستراننده، و جداسازان جداکننده، و به یاد افکنان برای (قطع) عذر یا هشدارگری (محمد علی رضایی و دیگر همکاران)

۵) **وَ الْفَجْرِ * وَ لَيْلِ عَشْرِ * وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ** (فجر، ۱-۳)

سوگند به سپیده صبح، و سوگند به شبهای دهگانه، و سوگند به جفت و طاق (آیتی) اشکال در ترجمه نیست. اشکال در سبک و روش ترجمه است که باید حتماً متحول گردد.

آیا این گونه ترجمه با شأن و مقام و قداست کلام نورانی حق تعالی سازگار است؟

آیا خواننده با خواندن عباراتی از قبیل:

آن در رسنده چیست (حاقه)

آن روز که لرزنده بلرزد (نازعات)

۱۴۹۸

به کتابی نوشته در نازک پوستی برگشاده (طور)
توفندگان توفنده (مرسلات)
و سوگند به جفت و طاق (فجر)
خود را راضی و قانع می بیند و هیچ سؤالی برای او مطرح نمی شود؟

سخن پایانی

به عنوان حسن ختام و پایان دادن به بحث، ترجمه قسمتی از آیات سوره مبارکه طلاق، یکی از ترجمه های اخیر^۱ ارائه می شود و نکات بسیاری که معمولاً در ترجمه باید آورده شود و عمده ترجمه های روان را فاقد آن می بینیم و این ترجمه هم مانند سایر ترجمه ها توجهی به نکات اساسی مندرج در آیات ننموده یکایک یادآوری می گردد تا قرآن پژوهان، خود به ضرورت تغییر سبک و روش ترجمه های موجود واقف شوند.

این ترجمه بدان جهت انتخاب گردید که مترجم محترم در پیشگفتار خود تحت عنوان «امتیازات این ترجمه» شش امتیاز بیان نموده و شماره ۳ و ۶ که عیناً در ذیل به نظر خوانندگان می رسد، این جانب را بر آن داشت تا به این ترجمه استشهاد کنم:

پیشگفتار ترجمه آقای سید حسن ابطحی

سوم: آنکه روی صحت و درستی این ترجمه صدها نفر در مدت دو سال که آن را خوانده و دقت کرده اند، کوچک ترین غلطی در آن نگذاشته که باقی ماند.

ششم: طبق دستوری که به اهل تزکیه نفس داده ام که حدوداً قریب به دو هزار نفر بوده اند، در هفته سی آیه از قرآن را و این ترجمه را هر روز تکرار می کرده و آن را در اذهان خود ثبت می نموده و لذا به همین جهت می گوئیم بعید است که دیگر غلطی داشته باشد.^۲

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ (طلاق، ۱)

۱. ترجمه آقای سید حسن ابطحی، تاریخ نشر، ذی قعدة ۱۴۲۵ قمری.

۲. ترجمه غلط بحثی است مستقل و ما در این مقال با صحت و سقم و صحیح و غلط بودن ترجمه کاری نداریم. آنچه مهم به نظر می رسد این است که ترجمه های صحیح کافی و گویا نیستند و خواننده را اذیت نمی کنند و برای درک مفهوم باید به تفاسیر مراجعه نمود. لذا باید سبک و روش ترجمه را تغییر داد و با افزودن شرح مختصری، مفهوم آیات را برای خواننده روشن و گویا نمود.

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۳۹ □

{ای پیامبر وقتی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را با وقت عده‌شان طلاق دهید و حساب عده را نگهدارید.}¹

در این قسمت کلمه عده، دو بار تکرار شده و مراد از هر یک غیر از مفهوم دیگری است. ترجمه پیشنهادی:

ای پیامبر وقتی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در وقت عده‌شان (وقتی که از عادت ماهانه پاک شده‌اند و شوهر بعد از پاکی با آنها هم بستر نشده باشد) طلاق دهید و پس از اجرای صیغه طلاق، حساب عده طلاق را (به مدت سه نوبت عادت و پاک شدن) نگه دارید.²

و اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ...

{و تقوای خدا را که پروردگارتان است داشته باشید}

چه ارتباطی بین طلاق و تقوای الهی وجود دارد که خداوند بعد از مسئله طلاق، مردم را به تقوای می‌خواند؟

ترجمه پیشنهادی:

و تقوای خدا را که پروردگارتان است (با اجرای طلاق در وقت پاکی و نگه داشتن مدت عده) رعایت کنید.

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ...

{زنهايتان را از خانه‌هايشان بيرون نكنيد و آنها نبايد جز در وقتي كه كار زشت آشكاري انجام داده‌اند، بيرون روند}.

در این قسمت از ترجمه اشتباهی فاحش دیده می‌شود. مترجم محترم استثنای «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» را به «لَا يَخْرُجْنَ» ارتباط داده در حالی که استثنا مربوط به «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» می‌باشد.

مفهوم ترجمه آقای ابطحی این است که زنان مطلقه حق بیرون رفتن از خانه را ندارند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند که در آن صورت بیرون رفتن آنها اشکال ندارد. ترجمه پیشنهادی:

آنها را (در مدت عده) از خانه‌هايشان بيرون نكنيد و نيز خود آنها (در مدت عده) از خانه

۱. آنچه بلافاصله بعد از آیات بین دو علامت { } قرار گرفته عین ترجمه آقای سید حسن ابطحی است.

۲. بر حسب مفاد آیه ۲۲۸ سوره بقره: وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ

خارج نشوند اما اگر مرتکب کار زشت آشکاری شوند، در این صورت بیرون کردن آنها از خانه (در مدت عده) مانعی ندارد.

لَا تَذْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

{تو نمی دانی، شاید خدا بعد از آن کاری را احداث کند}.

ترجمه پیشنهادی:

در پرتو رعایت حدود الهی چون نگه داشتن عده، و بیرون نکردن زن از خانه در مدت عده و پرداخت نفقه) امید است (پس از اجرای صیغه طلاق) خداوند امر تازه‌ای پدید آورد (و کار به صلح و سازش بیانجامد).

بسیاری از مترجمان فعل «لَا تَذْرِي» را مذکر مخاطب دانسته و نوشته‌اند «تو نمی دانی» اما به دلیل قسمت اول وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ می توان برای تنسیق و ارتباط کامل، «لا تدری» را فعل مؤنث غایب بدانیم و نفس را فاعل آن.

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

{پس وقتی عده آنها به پایان رسید، به خوبی آنها را نگه دارید یا به خوبی از آنها جدا شوید}.

با توجه به اینکه منظور از بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ (وصلن الی رأس المدة) است نه پایان یافتن مدت عده و در صورت باقی ماندن کمی از زمان عده، مرد بین رجوع و یارها کردن او مخیر است، این ترجمه پیشنهاد می شود:

و چون به پایان زمان عده نزدیک شدند، آنها را با حسن خلق و معاشرت پسندیده آن چنان که خدا فرمان داده است نگه دارید و یا آنها را با پرداخت تمام حقوق شرعی و بدون آزار، رها کنید.

وَ أَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ

{و دو عادل را از خودتان شاهد بگیرید و برای خدا شهادت بدهید}.

با توجه به اینکه مخاطب «أشهدوا» مردانی هستند که می خواهند زنان خود را طلاق دهند و مخاطب «أقيموا الشَّهَادَةَ» شاهدان هستند نه مردان طلاق دهنده، و نیز شاهد گرفتن در زمان اجرای صیغه اجباری است نه به هنگام مفارقت و در ترجمه، «أقيموا الشَّهَادَةَ» را با «أشهدوا» نباید یکسان ترجمه نمود، ترجمه فوق نه گویاست و نه صحیح.

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۴۱ □

ترجمه پیشنهادی:

و به هنگام اجرای صیغه طلاق، دو عادل از خودتان را شاهد بگیرید، و شما ای شاهدان به هنگام نیاز و بروز اختلاف، برای خدا شهادت را با دلایل، اقامه کنید.

ذِكْمُ يَوْعُظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

{آن برای شما موعظه است، کسی که مؤمن به خدا و روز قیامت باشد، به آن سفارش می شود}.

با توجه به اینکه «من» در «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» نایب فاعل «یوعظ» است، این ترجمه صحیح نیست.

ترجمه پیشنهادی:

کسی که همواره به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، به وسیله این احکام و دستورات اندرز داده می شود.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

{و کسی که تقوای الهی پیشه کند خدا برای او نجاتی عنایت فرماید}.

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق، ۳)

{و به او روزی می دهد از جایی که گمان ندارد و کسی که بر خدا توکل کند، پس خدا او را کفایت می کند قطعاً خدا فرمان خود را به پایان می رساند. قطعاً خداوند بر هر چیزی اندازه ای قرار داده است}.

عبارات (و من يتق الله و يرزقه ... و مَنْ يَتَوَكَّلْ ...) در یک سیاق است و مرتبط با یکدیگر. اما با مسئله طلاق و اقامه شهادت چه ارتباطی دارد؟

عبارات «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» و «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» در ترجمه، با مطالب قبل از خود بیگانه نمودار شده است در حالی که این دو فقره، تأییدی است به منظور تحقق بخشیدن «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا» برای «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ»، و «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» برای «يرزقه»، و «فَهُوَ حَسْبُهُ» برای «و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ».

ترجمه پیشنهادی:

هر کس (با عمل به حدود و اوامر الهی) تقوا پیشه کند و از پیشامدهای سوء نهراسد، قطعاً

۱۵۰۲

خداوند برای او گشایش و نجاتی قرار می‌دهد و (از پرداخت مهریه و حقوق شرعیه نگران نباشد، زیرا خداوند) به او از راهی که گمان نمی‌برد روزی می‌رساند. و هر کس بر خداوند توکل کند (و دستورات او را به کار بندد و در اقامه شهادت جانب حق را پذیرا باشد) خداوند او را کفایت می‌کند، چرا که خداوند انجام دهنده خواسته خویش است^۱ و (بداند که در وعده او تخلفی نیست، زیرا) بر هر چیزی تقدیری معین کرده است^۲ (و طبق سنت خود عمل می‌کند؛ از متقی متوکل حمایت می‌نماید و روزی او را ضامن است).

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ
{و کسانی که از زنهای شما از حیض یائسه گردیده‌اند اگر درباره آنها شک کنید پس عده آنها سه ماه است و همچنین زنانی که حیض نشده‌اند}.

ترجمه پیشنهادی:

آن دسته از زنان مطلقه شما که از حیض نا امیدند و حیض نمی‌شوند و شما شک دارید که آیا این به واسطه سن زیاد آنهاست و یا به علت عارضه دیگر، مانند آن دسته از زنان که در سن قاعدگی هستند ولی تا به حال حیض نشده‌اند، عده هر دوی آنها سه ماه است.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ وَلَا تَضَارَّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ
{آن زنها را هر جا که خودتان زندگی می‌کنید که در توانتان هست، اسکان دهید و به آنها ضرر نرسانید تا کار بر آنان تنگ کنید}.

ترجمه پیشنهادی:

زنان مطلقه را هر جا خود سکونت دارید و در شأن و توان خودتان است اسکان دهید و از جهت سکنی و نفقه و پوشاک به آنها ضرر نرسانید تا آنها را در فشار و مضیقه قرار دهید.

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ
{انفاق برای وسعت رزق، آنهایی که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات خود انفاق کنند و کسی که روزیش تنگ شده، از آنچه خداوند به او داده بدهد}.

اولاً معلوم نیست چرا عنوان «انفاق برای وسعت رزق» را برای این آیه انتخاب کرده‌اند؟

۱۵۰۴

۱. بالغ امره، ای نافذ امره (کشاف زمخشری)
۲. قدر ای تقدیراً و توقیتاً و هذا بیان لوجوب التوکل علی الله و تفویض الامر الیه، لانه اذا علم ان کل شی من الرزق و نحوه لا یكون الا بتقدیره و توقیته لم یبق الا التسلیم للقدر و التوکل (کشاف زمخشری)

اینجا بحث مطلق انفاق نیست تا سبب وسعت رزق شود.

ثانیاً «لِيُنْفِقَ» در بیان نحوه انفاق شوهر است به زن مطلقه حامله خود که در آیه قبل فرموده است: **وَإِنْ كُنْ أَوْلَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ**
ترجمه پیشنهادی:

مرد باید به زن مطلقه خود که باردار است به اندازه وسعت و توانایی اش به او نفقه بپردازد و آن که تنگدست است و نمی تواند آنچنان که شاید بپردازد، به اندازه ای که خداوند به او تمکن و دارایی داده، نفقه زن مطلقه خود را ادا کند.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

{خدا کسی را جز به آن مقداری که به او عنایت کرده، تکلیف نمی کند. خدا به زودی بعد از سختی، آسانی را قرار می دهد}.

ترجمه پیشنهادی:

چون خداوند هر کسی را به اندازه توان و تمکنی که به او داده، تکلیف می کند، بنابراین نباید شخص ناتوان غمگین گردد، بلکه بدین نوید شادمان باشد که خداوند پس از هر سختی، به زودی گشایشی پدید آورد.

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نَكْرًا (۸)

{و چه بسیار آبادیهایی که از امر پروردگارشان و پیامبران او سرپیچی کردند، پس ما به شدت به حسابشان رسیدیم و آنها را به عذاب ناشناخته ای مجازاتشان نمودیم}.

اگر خواننده این آیات، از خود پرسد: چه شد که خداوند بعد از بیان احکام طلاق و مسائل مربوطه، بلافاصله از تمرد مردم شهرها از فرمان خدا و پیامبران و عذاب آنها سخن گفته، آیا این ترجمه، پاسخگوی این سؤال هست؟ مطمئناً نه! اما با افزودن توضیحی - قبل از ترجمه آیه، مسئله روشن می شود، بدین گونه:

پس از احکام طلاق، خداوند از مردانی که زنان خود را طلاق می دهند خواسته است از ناروایی و ستم بر زنان مطلقه خود در مورد سکنی و نفقه و پوشاک بپرهیزند و چنانچه راه خلاف پیمودند، بدانند عاقبت کار آنها هلاکت است همان گونه که اقوام پیشین بر اثر طغیان و تخلف، هلاک شدند. لذا می فرماید:

۱۵۰۴

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا...

... رَسُوْلًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللّٰهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّوْرِ.

{پیامبری که بر شما آیات روشن خدا را تلاوت می‌کند تا خارج کند از تاریکیها به نور کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح نموده‌اند}

اگر «رَسُوْلًا» مفعول فعل محذوف باشد و یابدل برای «ذکراً» در آیه قبل، ترجمه یاد شده با هیچ یک از این دو سازش ندارد.

قَدْ أَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

{و خداوند چه نیکو رزقی برای او قرار داده است}.

با توجه به اینکه «أَحْسَنَ» افعال تعجب نیست و «رِزْقًا» مفعول فعل «أَحْسَنَ» است نه تمیز، این ترجمه صحیح نیست.

■

۱۵۰۵